

## اطلاعیه شماره ۵

### کمیسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری

#### جواب به

#### دروغ‌ها و افتراهای مازیار رازی

گرایش مازیار رازی در پستی که در زیر این متن ملاحظه می‌کنید (۱)، مطالبی را آورده که ما به چند نکته آن در اینجا پاسخ خواهیم داد:

یکم، در این پست مازیار رازی آورده است که «... بلکه طی اطلاعیه‌ای کوتاه استعفای آن عده را مشروط به اینکه در آینده به طور جدی وارد کارزار فعالیت سیاسی شده و روش بانده سازی را کنار بگذارند، به عنوان اطلاعیه «انشعاب» به رسمیت شناخت.» چنین پیشنهادی از طرف مازیار رازی هرگز به اعضای این کمیسیون داده نشد. آنچه که در آخرین جلسه‌ی مازیار رازی و مراد شیرین با سه تن از اعضای این کمیسیون به عنوان پیشنهاد داده شد، سه مورد بود که از طرف این رفقای کمیسیون پذیرفته نشد، صحبت های این جلسه را که دقیقاً از روی نوار پیاده شده، در کتابی که این کمیسیون انتشار داده است می‌توان کلمه به کلمه دنبال کرد و نوار آن هم موجود می‌باشد. علاقمندان به مطالعه این کتاب، خود صاحب نظر خواهند بود که چه کسانی «بانده سازی» کرده‌اند؛ اعضای این کمیسیون یا شورای رهبری گرایش مازیار رازی؟

دوم، در کتابی که به نام « دلایل شکل گیری کمیسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری » از طرف این کمیسیون بیرون داده شد، هیچگونه مسائل «درونی» ای که به این گرایش لطمه بزند، آورده نشده است. این ادعای سیروس دانشفر (یا به عقیده ما آقای مازیار رازی) کاملاً پوچ و بی اساس است (مراجعه شود به متن کتاب).

سوم، این کمیسیون با دادن این کتاب به بیرون، به هیچ روی و اساسی حرکت «پلیسی» انجام نداده است. آنچه که به رشته‌ی تحریر درآمده، دقیقاً بازگویی اعمال خود شورای دبیری گرایش مازیار رازی بوده است. در واقع این گرایش مازیار رازی بود که با فرستادن ایمیلی به رفیق سارا قاضی، تهدید نمود که این رفیق و رفیق یاشار آذری را به دادگاه دولت های سرمایه داری تحویل داده و اسم و رسم اصلی آن ها را در روزنامه های داخلی ایران و در سطح بین المللی افشا خواهد کرد، که تأثیر معکوس آن، چون تف سر بالایی بر روی خود مازیار رازی و شرکا پایین آمد (رجوع شود به متن کتاب).

چهارم، تهمت دزدیدن «نشر کارگری سوسیالیستی» به دست رفیق یاشار آذری بی شک از خصلت پلید و ضد مارکسیست انقلابی این گرایش برخاسته است که تصور می کند با تهمت و افترا نسبت به و تهدید اعضای این کمیسیون می تواند آبروی از دست رفته را بازستاند. همه‌ی ما می دانیم که در قاموس انقلابیون کمونیست/سوسیالیست چنین روشی نه تنها به کسب/بازگشت آبرو کمکی نمی کند که خود عامل به قهقرا رفتن آن جریان می گردد. صداقت در بیان حقایق، ابتدایی ترین عنصر اخلاقی انقلابیون کمونیست/سوسیالیست است.

رفیق یاشار آذری از ابتدای همکاریش با «اتحادیه سوسیالیست های انقلابی» (نام پیشین گرایش مارکسیست های انقلابی) خواهان ایجاد «نشر کارگری سوسیالیستی» بود. او این کار را با تأیید نسبی مازیار رازی آغاز کرد و کل مخارج و زحمات ایجاد این سایت را طی شانزده سال گذشته به تنهایی بر دوش کشیده است. در برخورد شدیدی که بین شورای دبیری گرایش مازیار رازی با این رفیق رخ داد، مازیار رازی در جلسه اعضای این گرایش اعلام کرد که به علت به توافق نرسیدن در بحث مربوطه، از آن پس «نشر کارگری سوسیالیستی» کاملاً در اختیار رفیق یاشار آذری قرار داشته و دیگر ربطی به گرایش مازیار رازی ندارد و این گرایش نشر خود را از طریق «نشر میلتنانت» ادامه خواهد داد. در همان جلسه مازیار رازی حتی تأکید کرد که «ما وردها را از طریق نشر میلتنانت علنی می کنیم و تو [یاشار آذری] هم هر کاری می خواهی با نشر کارگری سوسیالیستی بکن.» (رجوع شود به متن کتاب)

نتیجه اینکه بحث آن جلسه در نوار موجود است و در صورت لزوم می توان برای اثبات اینکه کدام نظر حقیقت را بیان می کند به آن دست یافت.

پنجم اما، این نقل قول گرایش مازیار رازی «گرایش مسیر پر تلاطم و پُر پیچ و خمی را طی کرده و اگر همه ما صحیح و سالم دریای پرتلاطم را به سلامت طی کردیم به دلیل سکان داری رفیق مازیار رازی بود» که گویا از زبان رفیق سارا قاضی آورده شده نیز کذب محض بیش نیست. کسانی که به سبک بیان و یا تحریر این رفیق آشنایی دارند، سریعاً متوجه می شوند که این نقل قول کاملاً ساختگی است و به هیچ وجه شباهتی به طرز گفتار یا نوشتار این رفیق ندارد. این نقل قول را باید از طریق متنی که در آن آمده و یا نوار

صحبت او ثابت کرد. در غیر این صورت، ادعایی کذب و از روی غرض ورزی است.

ششم، باند مازیار رازی از زمان شروع اختلافات بین اعضای این کمیسیون با «گرایش» اصرار فراوانی داشته است که مسائل رفقای کمیسیون را به «درد دل» تنزل داده و در نظر دیگران به حالتی «شخصی» و بدون پایه‌ی نظری در آورد. البته این تاکتیک با تمام کوشش های باند مازیار رازی هنوز موفق از آب بیرون نیامده است. علاقمندان به مطالعه کتاب، خود قضاوت خواهند کرد که آیا این کتاب جنبه‌ی «درد دل» دارد و یا دادن آگاهی به طبقه‌ی کارگر انقلابی ایران در مورد نقش بوروکراسی و تأثیر آن در تشکیلات انقلابی کارگری، پیش از این طرز برخورد باند مازیار رازی با مسائل اعضای این کمیسیون، شخص مازیار رازی نیز بارها به انتقادات رفقای این کمیسیون از بالا و بوروکراتیک برخورد کرده و از کنار بحث های آن ها با بی‌اعتنایی می‌گذشت و در آخر هم تنها یکبار اینطور پاسخ داد که «آره یاشار زمزمه‌هایی می‌کرد.»

هفتم، کمیسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری بر پایه‌ی اضافه کردن مؤلفه‌ی ای به چهار مؤلفه‌ی احیای مارکسیستی شکل گرفت که در جلسه‌ی «احیاء» مورد قبول باند رهبری «گرایش» واقع نشد. این کمیسیون کتاب مربوطه را بر پایه‌ی اختلافات تشکیلاتی تهیه کرده است. اختلافات نظری و برنامه‌ای با باند مازیار رازی اما در ظرف وظایف این کمیسیون نیست. رفقای این کمیسیون اینگونه مسائل را در چهارچوب دیگری در زمان مناسب ارائه خواهند داد.

به نقل از لنون تروتسکی: «بوروکراسی از هر چه که مستقیماً در خدمتش نباشد، و یا آن را درک نکند، به شکلی خرافاتی می‌هراسد.»

۱۱ آبان ۱۳۹۴

۲ نوامبر ۲۰۱۵

## (۱) دربارهٔ علل برکناری باند خانن یاشار آذری و شرکا از گرایش مارکسیست

### های انقلابی ایران

در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۹۳ (۱۲ نوامبر ۲۰۱۴) اطلاعیهٔ اعلام انشعاب، تحت عنوان «کمیسیون مبارزه با بوروکراسی» با امضای ۳ تن از اعضای سابق و یک عضو مشورتی گرایش مارکسیست های انقلابی منتشر شد. در آن هنگام علیرغم بی‌پایه و اساس بودن ادعاهای ذکر شده، و با وجود انجام مصاحبه ای از سوی نشریهٔ میلیتانت با یکی از اعضای گرایش و توضیحات او در مورد چگونگی روندی که مستعفیون به عنوان «انشعاب» معرفی کرده بودند، گرایش ما با توجه به درک از روحیات و خُلق و خوی مستعفیون و ارزیابی از عدم جدیت ایشان در کارزار سیاسی، نه تنها از انتشار مصاحبه صرفنظر کرد، بلکه طی اطلاعیه ای کوتاه استعفای آن عده را مشروط به این که در آینده به طور جدی وارد کارزار فعالیت سیاسی شده و روش باندسازی را کنار بگذارند، به عنوان اطلاعیهٔ «انشعاب» به رسمیت شناخت. گرایش که طی سال های عضویت ایشان با خصوصیات و تمایلات این افراد به خوبی آشنا بود، خوب می دانست آن ها اهل فعالیت عملی نیستند و همان روند بی عملی سابقشان را اکنون در پوستهٔ جدید دنبال خواهند کرد. با این فرق که در گذشته به دلیل عضویت آن ها در گرایش، بی عملی شان از بیرون دیده نمی شد، و در حقیقت بر روی گردهٔ فعالین گرایش خود را فعال نشان می دادند و این برای دیگرانی که از دور حرکت این گرایش را نظاره می کنند، قابل مشاهده نبود. اما پس از یک سال، متأسفانه نه تنها شاهد ادامهٔ انفعال آن ها بودیم، بلکه

تنها عمل آن ها را تخریب گرایش با پست ترین روش های پلیسی و خانناشه مشاهده کردیم. گرچه از قبل حدس می زدیم فاصله این افراد از حوزه فعالیت کمونیستی، و تمایلات حقیر انتقام جویی خرده بورژوازی ممکن است آن ها را به عرصه خیانت با اتکا به روش های پلیسی بکشاند، اما در عین حال، شدت بی عملی و انفعال آن ها در دوره عضویت در گرایش، ما را بر این باور نیز قرار می داد که پس از دوره ای هرکدام از آن ها به سراغ زندگی معمولی خود رفته و به جز حضوری بی رنگ در فضای مجازی کار دیگری انجام نخوانند داد. اما واقعیت ترکیبی از این دو حالت بود. آن ها در همه دوره جدایی از گرایش، تنها فعالیت خود را معطوف به تخریب اعتبار گرایشی کردند که تا فقط کمی قبل از خروج، سارا قاضی با لحنی احساسی و شاعرانه بیان می داشت که «گرایش مسیر پر تلاطم و پر پیچ و خمی را طی کرده و اگر همه ما صحیح و سالم دریای پرتلاطم را به سلامت طی کردیم به دلیل سکانداری رفیق مازیار رازی بود». او وضعیت کسانی را توضیح می داد که با ادعای داشتن نظرات و گرایش مشابه، به دلیل دوری خود از عرصه مبارزه به اوضاع وخیمی رسیدند و افتخار می کرد که در کنار این گرایش به وضعیت آن سایرین مبتلا نشد. اما دقیقاً همین فرد در کنار یاشار آذری با سرعتی غیرقابل باور، همه عقب ماندگی های خود در رسیدن به یک وضعیت اسفناک را جبران کرده و بسیار فراتر از الگوی ذکر شده، به تقابل با گرایش از موضع ارتجاعی و خیانت به سنت های انقلابی، از طریق لو دادن اعضای شورای دبیری این گرایش که فقط نزد افراد داخل گرایش شناخته شده بودند، لو دادن اسناد داخلی و وارد آوردن اتهام پلیسی به رفقای گرایش، تخریب شخصیت فعالین گرایش با برجسب زنی هایی مانند «استالینیست ها، نفوذی اکثریتی» و لجن پراکنی هایی در سطح فضای اینترنت، مصادره سایت نشر کارگری سوسیالیستی با همه محتویات آن، رسماً به افراد ضد انقلابی تبدیل شدند. آن ها یک سال و عده ارانه اسناد اتهام زنی های خود را دادند، یک سال و عده ارانه «اختلاف برنامه ای» دادند و دست آخر با انتشار «درد دل نامه» و پیاده کردن بحث های

شفاهی درون تشکیلاتی چیزی به جای «کتاب» منتشر کردند و معلوم نشد اختلاف برنامه ای شان با گرایش چه بود که به آن دلیل «انشعاب» کردند و در توضیحاتشان این اختلاف به فقط «اختلاف تشکیلاتی» تقلیل پیدا کرد. سهل است که طی این دوره، حتی یک مورد شرکت در یک آکسیون یا یک خط تحلیل در مورد انبوه مسائل داخلی و بین المللی جنبش از آن ها نمی بینید. اکنون پس از تحمل یک دوره یکساله تخریب‌گری های ضدکمونیستی این باند، به طور رسمی به این وسیله اعلام می‌داریم، باندی با نام «کمسیون مبارزه با بروکراسی» که سردسته های آن سارا قاضی و یاشار آذری هستند، مطلقاً قابل اعتماد نبوده و بالقوه همکاران پلیس سیاسی محسوب می شوند؛ و به عنوان گرایش مارکسیست های انقلابی ایران حفظ فاصله لازم از این باند را، جهت رعایت مسائل ایمنی به فعالین سیاسی جدی و مسئول توصیه می کنیم. همچنین اعلام می‌داریم که از حداقل ۷ ماه قبل از خروج یاشار آذری که بعدها نام آن را «انشعاب» گذاشت به این سو، او دیگر «مسئول» نشر کارگری سوسیالیستی نبوده و معلوم نیست اکنون پس از خروج این عنوان بروکراتیک را از کدام تشکیلات اخذ کرده است. برای آشنایی مخاطبینی که در مورد این تخریب‌گری ها از ما پرسش کرده اند با چگونگی روند جدایی باند یاد شده، مصاحبه ای را که در همان مقطع انتشار دلایل «انشعاب» از سوی این باند، از طرف نشریه میلتانت با علیرضا بیانی انجام شد اکنون پس از گذشت بیش از یک سال منتشر می کنیم.

گرایش مارکسیست های انقلابی ایران

۷ آبان ۱۳۹۴